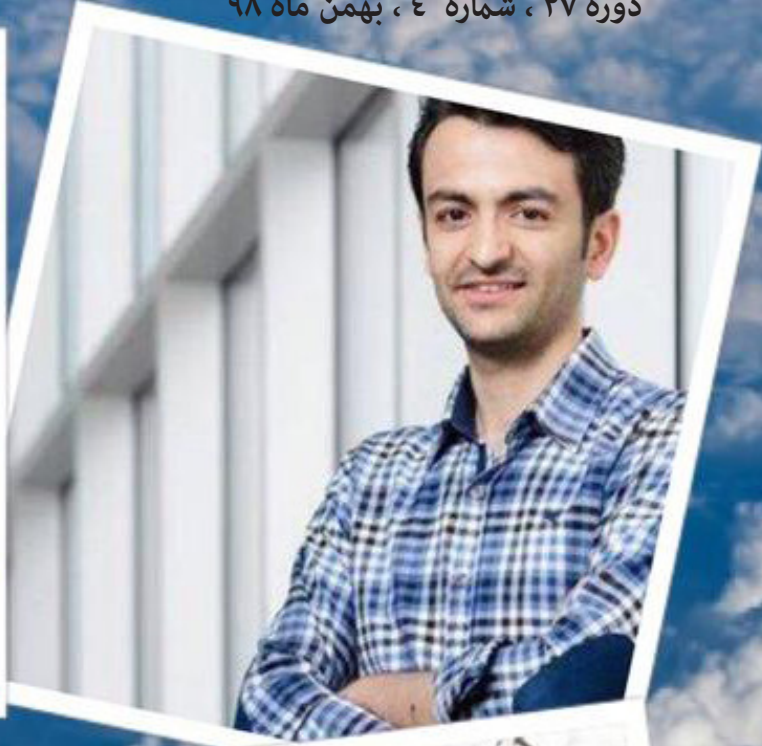


# خمش

خبرنامه مکانیک شریف  
دوره ۲۷ ، شماره ۴ ، بهمن ماه ۹۸



در اوج آسمان...  
به یاد مسافران ابدی



صاحب امتیاز : انجمن علمی دانشکده مهندسی مکانیک (محور)

همکاران این شماره:

مدیرمسئول : زهرا خاتمی

امیر محمد طهماسبی، علیرضا رحیم پور،

سر دبیر : ستاره بیات

نگین نصیریان، عرفان بهاءلو، علی سلیمزاده،

معاون سردبیر : محمد جواد نیازی

سینا غلامی و محمد علی نوری

ویراستار : پوریا فلاحتی

صفحه آرا : آوا یارندی

در این شماره می خوانید :

با ما در ارتباط باشید !

از دانشگاه تا استارتاپ ..... ۳

- خاطراتی از مسافران ابدی ..... ۴

- برشی از تاریخ !!! ..... ۶

- یلدا ..... ۸

- بازدید دانشجویان دریا ..... ۹

- دعوت ... ..... ۱۰

- اما تو چیز دیگری! ..... ۱۱

صفحه آزاد ..... ۱۲

 @khamesh\_mehvar

 @mehvargroup

 mehvar\_group

 mehvar.mech.sharif.ir

این شماره از بخش تقدیم می شود به  
عزیزان ازدست رفته در سانحه سقوط  
هواپیمای اوکراینی و خانواده های  
داغدارشان



ستاره بیات

ورودی ۹۶ مهندسی مکانیک

## ۲ در اوج آسمان...

### به باد مسافران ابدی

بخش

انا لله وانا اليه راجعون

سعدیا! مرد نکونام نمیرد هرگز  
مرده آن است که نامش به نکویی نبرند...

بیش از چهل روز از درگذشت تعدادی از دوستانمان در سانحه سقوط هواپیما می گذرد اما هنوز غم از دست دادنشان در دل هایمان تازه است. این حادثه چنان تلخ و اندوهناک بود که باور درگذشت این عزیزان برای هیچیک از ما ساده نبوده و نیست.

این شماره از خبرنامه مکانیک شریف به احترام این عزیزان که به راستی از سرمایه های ارزشمند علمی کشور محسوب می شدند، به طور ویژه به یادبود این عزیزان هم دانشکده ای اختصاص یافته است. به راستی که یاد آنان همواره در دل های ما زنده خواهد ماند.

در انتها از طرف تیم خبرنامه مکانیک شریف درگذشت عزیزان فارغ التحصیل هم دانشکده ای و هم دانشگاهی مان را به خانواده هایشان و جامعه شریف تسلیت عرض نموده و برای ایشان از درگاه خداوند متعال طلب مغفرت و آرامش و برای خانواده های داغدارشان صبر و شکیبایی آرزو مندیم.





امیرمحمد طهماسبی  
ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک

# از دانشگاه تا استارتاپ

## نگاهی اجمالی به برنامه های هفته پژوهش.

حضور دکتر فخرزاده (رییس مرکز رشد شریف)، مهندس حسینی (مدیر شتاب دهنده شریف)، مهندس محمودی (مدیر عامل indesign3d)، مهندس وفایی (مدیر عامل شرکت پیشروبات)، دکتر میرباقری (مدیر عامل شرکت نوآوران رباتیک و پزشکی سینا)، مهندس سلطانی (مدیرعامل شرکت ابتکارصنعت شریف تولید عملگر) و

دکتر کاشانی (مدیر عامل شرکت آوا یکتا سامانه نوین) بود. همانگونه که از عنوان برنامه مشخص است، تمرکز سوالات مطرح شده و به بحث گذاشته شده، بررسی چالش های دستیابی به دستاورد صنعتی با کمک دانش دانشگاهی بوده است. در این پنل به موضوعاتی کاربردی نظیر مهارت های لازم برای ورود به صنعت، نقد و بررسی سیستم کلاسیک و سنتی دانشگاهی و بیان

راهکار به منظور ایجاد ارتباط موثر با صنعت، پیش بینی ای از صنایع مورد توجه در آینده و سیر حرکت صنعت به منظور یادگیری مهارت های لازم برای حوزه های هدف و در نهایت نگاهی به اکوسیستم کارآفرینی در ایران و مقایسه میزان مهیا بودن حوزه های مختلف کارآفرینی در ایران، پرداخته شد و هر یکی از صاحب نظران دیدگاه تخصصی خود را پیرامون موضوعات مطرح شده، بیان نمودند. هفته ی پژوهش با تمام نقاط قوت و ضعف خود به پایان رسید. به امید تداوم و پیشرفت چنین رویدادهای دغدغه مندی در سال های پیش رو.

از آزمایشگاه های متنوع دانشکده نظیر آزمایشگاه کنترل و قطب رباتیک و ... بازدید از «مرکز موفقیان»، مرکزی که به فناوری های توان بخشی عصبی هوشمند می پردازد، شرکت مهندسی و ساخت توربین «مپنا (توگا)» و شرکت موتور، گیربکس و اکسل «مگاموتور» نیز در نظر گرفته شد تا بر مشاهدات میدانی دانشجویان بیافزاید.

صنعت و دانشگاه! کلید واژه ای که این روزها مهم ترین دغدغه ی دانشجویان شده است. سطح دغدغه مندی دانشجویی امروز، تنها از گرفتن مدرک در پایان یک دوره چهارساله فراتر رفته و به دنبال راهی برای ارائه مهارت خود به صنعت و اشتغال است. به طور عمومی در سطح دانشگاه، نشست ها و برنامه های متنوعی برای بیان این دغدغه و راه حل های آن برگزار می گردد اما امسال برنامه ای با

رویکرد تخصصی نسبت به رابطه ی رشته ی مکانیک و صنعت از طرف معاونت پژوهشی دانشکده مکانیک برگزار گردید با عنوان «هفته پژوهش». هدف امسال این برنامه، دعوت از افراد موفق در حوزه صنعت و علم روز مکانیک برای انتقال و تبادل تجربیات ارزشمند آن ها با دانشجویان امروز و صنعتگران فردا، در قالب کارگاه ها، بازدیدها و نشست های متعدد در حوزه های متنوع این رشته بوده است.



۲۴ آذرماه، سالن جابر دانشکده شیمی، میزبان برگزاری اختتامیه و روز نهایی رویداد هفته ی پژوهش با حضور اساتید و فعالان و پیشگامان حوضه ی صنعت بود. در این مراسم دکتر وحدت، رییس صندوق نوآوری و شکوفایی، دکتر دورعلی، رییس شرکت طراحی و اتوماسیون دورعلی (با هدف ارائه توضیحاتی درباره ی پروژه ی تفاتر شهر) و دکتر فرهانی، هیئت علمی دانشکده مکانیک، به سخنرانی پرداختند. در حاشیه ی مراسم نیز نمایشگاهی برای ارائه استارتاپ ها و دستاوردهای پژوهشی دانشجویان برگزار گردید و سپس به تقدیر از برگزیدگان پژوهشی دانشکده پرداخته شد.

حسن ختام این برنامه نیز پنلی با عنوان «از دانشگاه تا استارتاپ» با

کارگاه دینامیک مولکولی با ارائه آقایان دکتر حسین نجات و دکتر لواسانی با هدف ارائه مقدمه ای بر روش دینامیک مولکولی و بیان کاربردهای آن و همچنین معرفی نرم افزار LAMMPS و VMD و حل چند نمونه پروژه، کارگاه توسعه وسیله پزشکی پوشیدنی با ارائه دکتر روحانی، کارگاه ROS با ارائه مهندس علی خورشیدی، مهندس الهه رهیما و مهندس حنانه عربشاهی و کارگاه طراحی و ساخت سیستم های میکروفلوئیدیک چندمنظوره و کم هزینه با ارائه دکتر حسین گودرزی و دکتر میری، با هدف آشنایی دانشجویان با حوزه های مختلف صنعتی نظیر رباتیک، بیومکانیک و ... برگزار گردید.

علاوه بر فراهم ساختن امکان بازدید



علیرضا رحیم پور

ورودی ۹۷ مهندسی مکانیک

## خاطراتی از مسافران ابدی

### مهندس احسان احمدی :

«سلام عرض می کنم خدمت شما و انجمن و تشکر می کنم بابت نیت خیرتون  
یه خاطره جالبی که سر اون خیلی با مهدی شوخی داشتیم مربوط به بستنی خریدن مهدی میشه (بین خودمون صداس میگردیم خج مهدی)  
مدت زمان زیادی بود که قرار بود بنا به یه مناسبتی از مهدی به عنوان شیرینی یه بستنی بگیریم و مهدی هر بار با شوخی از زیرش در میرفت خلاصه شرایطی پیش اومد که ایشون رو خفت کردیم و دسته جمعی رفتیم تا برامون بستنی بخره تهش به عنوان سند من یه عکس سلفی از جمعمون گرفتم و تو گروهی گذاشتم که من و مهدی و بقیه دوستان آزمایشگاه توش عضو بودیم از مهدی تشکر کردیم بابت بستنی و همگی بعد خوردن بستنی راهی آزمایشگاه شدیم تو راه بودیم که یهو یه فکری به خاطرم

داخلی و ... نشریات دانشگاه از چاپ مطلب در زمان مناسب عاجز ماندند. ترم به پایان رسید و فعالیت های دانشجویی با شروع ترم جدید از سر گرفته شد . در این شماره از نشریه به نشانه ی احترام سراغ دوستان مرحوم مهندس مهدی اسحاقیان ( فارغ التحصیل کارشناسی مهندسی مکانیک دانشکده مون) رفتیم و از خاطراتی که با هم داشتند پرسیدم . قبل از اینکه به ادامه متن پردازیم باید تشکر کنم از همه دوستانی (احسان صفاری، مجتبی شهاب، علی آموزنده، عبدالله عیدی، امیر جافری مقدم، علی قربان دانی پور، علی نیک اندیش، هادی مقدس، امین سیدزاده، امیرمهدی حسینی و ...) که ما رو در جمع آوری و نگارش این مطلب یاری کردند . در ادامه مطالبی که دو تن از این عزیزان در اختیارمون گذاشتند رو برای علاقه مندان آورده ایم .

هیجده ام دی ماه امسال مثل بقیه ی روزها شروع شد . برای خیلی از افراد آکادمیک (که معمولا خودشون رو دور از مسائل سیاسی-منطقه ای نگه می دارند) صبح مثل یک صبح معمولی بود تا اینکه که خبر شوکه کننده ای در رسانه ها مخابره شد . هواپیمای ۲۵۷ خطوط هوایی اوکراین به دلیل خطای انسانی (برخورد موشک) سقوط کرده بود و تمامی مسافران کشته شدند . اهمیت این خبر برای این قشر از اونجایی بود که این ایرلاین یکی از ارزان ترین و مورد توجه ترین ها برای سفر به اروپا و کاناداست و دانشجویانی زیادی در این پرواز بودند . دانشجویانی که هرچند خودشون دیگه بین ما نیستند اما خاطرات و دستاوردهای علمیشون فراموش نمیشه.

به علت حواشی سیاسی به وجود آمده ، هم زمانی با امتحانات، اعتراضات

۴





می‌کردیم. من و مهندس هاتفی پور (که الان آمریکاست) و مرحوم اسحاقیان با هم بودیم. از بین ما سه نفر اون دو نفر اوپراتور بودن، و من هم چون کارهای طراحی رو کرده بودم لازم بود باهاشون باشم.

یه جایی حین تمرین سیم کنترل ربات کشیده شد، کنترلر کنده شد و ربات با سرعت رفت توی دیواره کناری زمین تست. ربات دوتا باله داشت که یکی شون خیلی داغون شد. چند دقیقه به مسابقه مونده بود و همه اعضای گروه جمع شده بودیم و هرکسی به گوشه از کار رو گرفت.

زدیم اما یه چیزی که الان می‌خوام تعریف کنم خاطره‌ای که با هم برای مسابقات رفته بودیم ژاپن. اولین مسابقه ما با کره جنوبی بود. مسابقه داخل یه سالن فوتسال تقریبین ۵-۶ هزار نفری برگزار می‌شد. سالن تقریبین مثل سالن والیبال ورزشگاه آزادی بود اما یک کم کوچیک تر. سالن تقریباً پر شده بود و جمعیت زیادی اومده بودند. شرق آسیا کلا رسمشون اینه که سالن رو پر کنن

رسید چون بحث بستنی گرفتن از مهدی شوخی‌هایی به همراهش داشت دستی دستی نابود میشد، با خودم گفتم حیفه بحث بستنی رو اینجا تمومش کنیم، رفتم و عکس سلفی رو از گروه پاک کردم و با بقیه بچه‌ها هم هماهنگ کردم که به روی خودشون نیارن بعد یه مدت دوباره توی یه جمعی که مهدی تو اون بود به شوخی بحث بستنی رو پیش کشیدیم و گفتیم که مهدی چرا بستنی نمیخوری برامون و شروع کردیم به منکر شدن اینکه بستنی خوردیم مهدی که تازه

از زیر دین بستنی خریدن خلاص شده بود شروع کرد از خودش دفاع کنه و



تونستیم دوباره ربات رو سرهم کنیم. ربات رو آماده کردیم اما دیگه وقتی نبود و بدون امتحان رفتیم داخل. خیلی نگران بودیم اما خدارو شکر رباتمون خوب کار کرد و تونستیم چهار-هیچ برنده شیم! کره جنوبی رو بردیم و یادمه که هم ما خیلی خوشحال بودیم هم ژاپنی‌ها! یه خاطره‌ی خیلی خوب شد. چیزایی که خیلی خوب یادم مونده یکی این چهار پنج هزار نفری که تشویق می‌کردند و دومی این رباتی که با همه استرس‌هایی که داشتیم بالاخره کار کرد و باعث شد ما مسابقه اون دور رو برنده بشیم.»

(خالی بودن رو بی احترامی می‌دونن)، حتی شما وقتی که اون جا کفرانس هم می‌رید همین جوهره که می‌بینید سالن رو به نشانه احترام پر کردن. جو خیلی استرس‌زایی بود چون مسابقه‌ها به صورت یک به یک بودن. ما با کره جنوبی بازی داشتیم و خب کره جنوبی و ژاپن روابطی خیلی خوبی با هم ندارن. به خاطر همین حس می‌کنم جو به سود ما بود. این‌هارو از تشویق‌هایی که بعدن وقتی اومدیم تو سالن می‌کردند فهمیدیم. حدود ده دقیقه یه ربع قبل مسابقه بود و ما داشتیم توی زمین پشتی تمرین

خواست عکس سلفی رو به عنوان مدرک حرفش تو گروه نشون بده، ولی وقتی دید از عکس تو گروه خبری نیست جا خورد و فهمید که بحث بستنی همچنان ادامه خواهد داشت خلاصه اینطوری شد که این پرونده بستنی باز باقی‌موند و مدت‌ها مایه دلخوشی و شوخی جمعمون به همراه مهدی عزیز بود.»

## مهندس علی آزموده:

«سلام عرض می‌کنم به عزیزان نشریه و ممنونم بابت وقتی که به احترام این عزیزان می‌دارید. خاطرات زیادی دارم چون ما با هم زیاد سفر می‌رفتیم. یادمه که با هم دیگه سمنان رفتیم. اصفهان رفتیم. اهواز رفتیم. چندروز هم خونشون درچه اصفهان سر



خبرنامه

# دکانیک

شریف

خبرنامه دانشکده مهندسی مکانیک دانشگاه صنعتی شریف

تهیه و تنظیم: دفتر فعالیتهای دانشجویی

شماره ۳، تابستان و پاییز ۱۳۷۶

هر کس درس نخوانده است،

وارد نشود!

## سرمقاله

طرح اهداف کاری کوتاه مدت یا بلند مدت یک مجموعه کاری مثل دفتر فعالیتهای دانشجویی باید بر اساس ضرورتهایی که آن مجموعه برایش به وجود آمده است ریخته شود.

ضرورتهای به وجود آورنده دفتر فعالیتهای ۱ - نقص دانشجویان در انجام کارهای گروهی ۲ - کمبود ارتباط و صمیمیت بین دانشجویان و ۳ - طرح مسائل و مشکلات صنفی دانشجویان به صورت سازنده و کارآمد بوده است.

و سعی مدیران گرداننده کار در دفتر فعالیتهای بر این بوده و هست که همه کارهای چند ماه آینده دفتر در جهت ضرورتها و رفع کمبودها باشد. اگر سلسله سمینارهای کارآموزی، مشکلات دانشجویی و پروژه هر طرف این ۶ ماه برگزار می شود، همه در جهت ضرورت سوم از ضرورت های سه گانه دیده شده قرار دارد. اگر برنامه های تفریحی - فرهنگی، اردوی ورودی های جدید یا سفرهای بلند مدت برگزار می شود، همه در جهت ضرورت دوم است و همچنین همه کارهای دفتر از جمله خیرنامه به عنوان حیاه مشغلهای معرفی کار گروهی در جهت رفع ضعف های دانشجویان در انجام کارهای گروهی است.

یک هدف دیگر دفتر فعالیتهای که ساخت و کارش با اهداف فوق متفاوت است سعی در معرفی و آموزش مسائل و موضوعاتی است که در نظام آموزشی دانشکده دیده نشده اند ولی آگاهی و اطلاع از آنها لازم و ضروری است مانند تأکید بر بیومانیک و حیرولبک (از طریق کلاسها و سمینارهای برگزار شده) یا تأکید بر مدیریت در گرایشهای مختلف آن از جمله مدیریت تضمین کیفیت (در صفحه ۲ این شماره خیرنامه مطلبی در اهمیت مدارهای کنترل و قدرت بیومانیکی - الکترونیکی و هیدرولیکی آورده ایم)

تأسیس دبیران کانون دبیران شریف  
شیرین دبیر دبیران شریف  
فرمان دبیر دبیران شریف

## مدیریت فوق برنامه و امور فرهنگی دانشگاه

آقای مهندس میرزایی در مهرماه امسال با حکم آقای دکتر ادیب نظری - معاون دانشجویی دانشگاه و استاد دانشکده مهندسی مکانیک - مجدداً به سمت مدیریت فوق برنامه و امور فرهنگی دانشگاه منصوب شد.

۱ - اعلانی که اطلاع رسانی بر سر در آکادمیا زده بود این بود: هر کس هندسه نمی داند وارد نشود. ما اعلان مشابهی را بر سر در دفتر فعالیتهای علم کرده ایم. آیا می توان درس خواندن را به عنوان پیش نیاز فعالیت های دانشجویی مطرح کرد؟



## گزارش فعالیتهای یک همکار فعال در سالهای ۷۵ و ۷۶

آقای حسین مجددر (۷۴) که از حدود یک سال قبل در دفتر فعالیتهای دانشجویی مشغول به کار شده است یکی از فعال ترین همکاران دفتر است که کارهای زیادی را در این دفتر انجام داده است. از جمله کارهای او که بیشتر آنها تعریف شده، از سوی گروه اخذ است. آماده سازی و نشر ماهنامه های متعدد در زمینه های ویرایش، تاریخ مهندسی مکانیک گزارش بازه بد کارخانجات، گفتگو با دانشجویان موفق، نشست فرهنگی، اشعار نیز، اطلاعات پزشکی، زندگی نامه دانشمندان معاصر ایران، نوبها در صنعت، وعده های مربوط به دفتر فعالیتهای ... است که امروز این ماهنامه ها را به صورت مجتمع به نام ماهنامه مکانیک شریف آماده می کند و با یک صد تومانی معتبر (۱) به فروش می رسد. او از جمله امیده های این دفتر برای انجام کارهای بزرگ در آینده به شمار می رود. در این جا شرح فعالیتهای او را از زبان خودش می خوانید:

مهرماه ۷۵ بود. ویرایش بلد بودم ولی در مجله کاری به نام ویرایش، هنوز تعریف نشده بود. پیشنهاد شد که تهیه اعلان را برای بازه های هنگی گروه بازه بد به عهده بگیرم. بیشتر اعلان بازه بد عبارت بود از یک برگ کاغذ A4 که با مازیک و گاه هم خیلی بد خط نوشته می شد. نخستین کارم آن بود که اعلان را به صورت نایب شده و چاپی درآورم. سنن اعلان را هم طنزآمیز کردم تا جذاب باشد که البته واکنشهای متفاوتی را از جانب دانشجویان برانگیخت. یک کاریکاتور هم در گوشه چپ بالای اعلان گنجادم تا وقتی اعلان بازه بد نصب می شود برای کسی که از دور رد می شود پس آن همه اعلانیهای گوناگون توجه را به خود جلب کند. شرح طراحی آن کاریکاتور هم برای من که این کاره بودم حدوداً استار جداگانه ای دارد. آخرهای آن تیرماه بود که من پرسشنامه گروه بازه بد را با همکاری سایر اعضای گروه تعبیر کردم. چیزی که حالها بره نیار به آن احساس می شد. یکبار دیگر در پایان تیرماه بهار مرغی پرسشهای آن را تعبیر کردم و اشکالی مرتبط با رشته مهندسی مکانیک در آن گنجادم. سرانجام در پایان تابستان ۷۶ صورت چاپی پرسشنامه گروه بازه بد را به نام و جوپاه تکمیل و ارائه کردم که هفتس پرسشنامه گروه بازه بد به حساب می آید. روزهای پایانی خردادماه شهری می شد که احساس کردم باید به دیگران مهمانم که گفتار و نوشتارشان بر از خطاهای من است که به سادگی می توان بخش بزرگی از آن خطاها را برطرف نمود. اینجسب بود که یک نامه هنگی را به نام ویراستار پی ریختم که ۵ شماره از آن تا پایان تیرماه تهیه شد.

در نیمه های تابستان به فکر ماندن احسن ماهنامه ای با مطالب گوناگون افتادم که هر صفحه اش خود ماهنامه ای از یکی از گروه های مجله باشد. نخست برای ۸ ماهنامه برنامه ریزی کردم ولی کم کم این تعداد به ۱۷ ماهنامه رسید و شماره یکم آن با ۱۷ عنوان ماهنامه در ۲۲ صفحه، شهریور ماه امسال به چاپ رسید. نشوینهای دیگران امیدوارکننده بود و خود، گیربهای دوستان، سازنده، ولی اختلاف سلیقه ها آزاردهنده گاه. نظریاتی ابراز می شد که گوییده آن حتی یک دم درباره سخنی که بر زبان می راند، بدبشیده بود. فقط نوعی اظهار فضل یا شاید ارزش وجود. ولی نه این حقیر. کمال مطلق هستم و نه دیگران موجوداتی عاری از خطا و اشتباه. به هر حال هر گاه کار جدیدی عرضه می شود باید منتظر یک سری سایشهای فکری بین دهان مختلف آن هم با شعورهای متفاوت بود. آخرین کار این بنده تاچیز حدی نهیه دو گونه مختلف اعلان برای سمینار کارآموزی است (چای قدپهل و ...).

### مصافحه ویرایش:

سنن زیر را که از روزنامه سلام ۷۶/۱۰/۱ (صفحه ۱) برداشته شده است، ویرایش کنید و تا پایان امسال در صندوق پیشنهادها بپندازید: به گزارش خبرنگار ما در جلسه دیرور مجلس شورای اسلامی، لایحه اصلاح قانون فصل سوم قانون گذرنامه در شور دوم به تصویب رسید. گروه ویرایش، عضو جدید هم می پذیرد.

زیر نظر: دکتر اکبری، معاون دانشجویی دانشکده مهندسی مکانیک

نگارش: مهدی نعمت اللهی

مدیر اجرایی: علی صدیقی



# بلدا



نگین نصیریان

ورودی ۹۸ مهندسی مکانیک

استاد کاظم زاده شروع شد. پس از آن به بخش جذاب تقدیر از دانشجویهای برگزیده ورزشی و فرهنگی رسیدیم که برای این تقدیر کلیپی از این برگزیدگان پخش شد. پس از تقدیر گروه موسیقی روی سن آمد و تعدادی آهنگ زیبا برای مهمانان جشن اجرا کردند. بعد از موسیقی با متنی زیبا از جانب مجری به تقدیر از برگزیدگان علمی پرداختیم و سرانجام پس از کلی تشویق از سوی شرکت کنندگان نوبت به حافظ خوانی یکی از بهترین استادان دانشگاه یعنی استاد رحیمی رسید. ایشان علاوه بر حافظ خوانی زیباییشان، با خاطراتی بی‌بدیل به سخنان خود پایان دادند.

سپس گروه موسیقی بچه‌های دانشکده، موسیقی زیبای ترکی و ایرانی معروفی را اجرا کردند که با استقبال زیاد دانشجویها و همراهیشان با چراغ گوشی‌هایشان مواجه شد.

اما هیجان‌انگیزترین بخش جشن یعنی مسابقه آخرین برنامه بود. در بخش مسابقه چند جعبه روی میز

قرار داده بودند که محتوی خمیر دندان، پای مرغ، گریس، خوراک تن ماهی و پاستیل بود و فردی که از داخل جمعیت انتخاب می‌شد بایستی با چشم بسته و لمس کردن هر کدام تشخیص می‌داد که جعبه حاوی چیست. و در نهایت پایدانی که بچه‌ها با عکس‌های یادگاری و پذیرایی بسیار شیرینشان به پیشواز این همیشه تلخ رفتند. قیف‌هایی همراه با تکه‌ای کاغذ که روی آن قطعه‌ای رباعی از حافظ نوشته شده و با گلی به آن متصل شده بود و شامل مقدار قابل توجهی پاستیل، لواشک و انار بود به همراه تکه‌های کوچکی از هندوانه و شیرینی، پذیرایی شاهانه‌ای بود و خداحافظی از این شیرین‌تر نداشتیم. این بزرگترین اتفاق با تمیز کردن سالن جابر توسط تدارکات به پایان رسید.

کارها تا تاریخ اعلام شده توسط هرسرگروه به پایان رسید. البته بماند که در بعضی گروه‌ها به دلیل عدم فعالیت و حتی فعالیت کم اعضا برخی کارها نصفه و نیمه رها شدند که خداروشکر آسیب جدی به جشن وارد نشد و همه چیز به خوبی و خوشی پیش رفت. اما ۱ دی ماه ۹۸، روز موعود، روزی که به نظر می‌رسید جو پر از استرسی برای مسئولین جشن وجود داشته باشد، دانشجویها با روحیه ای عالی و سرشار از شوخ طبعی، فضای پرتلاطم سالن جباری دانشکده شیمی را پر از

جشن یلدا در دانشکده مکانیک، بزرگترین و هیجان‌انگیزترین رویداد نیم سال اول تحصیلی، علی‌رغم همه تعطیلی‌های پیش بینی نشده درست روز اول زمستان برگزار شد. این جشن هرسال در همه دانشکده‌ها برگزار می‌شود. هرسال یک مراسم فقط با تفاوت در شرکت‌کننده‌ها و بعضاً کادر اجرایی که ورودی‌هایی مشتاق انجام کارهای عملی هستند. اما برخلاف صورتان، نه تنها این جشن تکراری نمی‌شود بلکه هرسال

اشتیاق برای شرکت در آن بیشتر می‌شود. اما چرا؟ به عقیده من پاسخ این سوال در دو دلیل خلاصه می‌شود. اولین دلیل می‌تواند مربوط به کادر اجرایی باشد. افرادی سرشار از ذوق و هیجان که با همه توان برای رسیدن به بهترین نتیجه با هم همکاری می‌کنند و این همکاری در مرور زمان حتی قویتر می‌شود.

دومین دلیل به ایجاد رشته‌های صمیمیت بین دانشجویان مربوط می‌شود. چرا که جشن یلدا فرصتی بسیار خوب برای دانشجویان است تا با یکدیگر آشنا شوند. معاشرت کنند و حتی برای رسیدن به بهترین نتیجه از هفته‌ها قبل از باتجربه‌ترها کمک بگیرند.

سال‌بالایی‌ها یا همان به اصطلاح مسئولان اصلی جشن، برای مدیریت بهتر و پیشروی سریعتر کارها، دانشجویان معینی را به عنوان سرپرست بخش‌های اصلی جشن انتخاب کردند تا دوستان مشتاق را با همکاری، راهنمایی کنند. با این گروه بندی‌ها، تقریباً همه



خاطره‌های خوب و شیرین کردند. همه دانشجویهای تدارکات و پشت صحنه از صبح بین دو دانشکده شیمی و مکانیک در رفت و آمد بودند تا آماده میزبانی دانشجویهای کل دانشگاه راس ساعت ۱۶ باشند. زمانی که گروه دکور مشغول کامل کردن دکور بودند فکر می‌کردیم که دکور امسال دکوری متوسط و با سطحی پایین‌تر از سال قبل باشد اما نتیجه زحمات و جلوه‌ی دکور هنگام وصل کردن ریشه‌های نوری روی سن به وضوح دیده می‌شد. به طوری که پس از پایان جشن تعدادی از دانشکده‌ها خریدار دکورمان شده بودند. جشن راس ساعت ۱۶ با آمدن مهمان‌ها آغاز شد. این جشن مانند همه جشن‌های دیگر با تلاوت قرآن و سرود ملی و پس از آن سخنرانی مختصر رئیس دانشکده





عرفان بهاءلو

ورودی ۹۵ مهندسی دریا

## بازدید دانشجویان دریا

مالک و کاپیتان یک‌ی از کشتی‌ها وارد آن شدیم و شخصا پس از سه سال و انندی تحصیل در رشته مهندسی دریا توانستم برای اولین بار کشتی را از نزدیک لمس کنم. پس از مشاهده دک و موتورخانه وارد سوپراستراکچر (سازه روی کشتی که محل اسکان خدمه و هدایت کشتی است) شدیم و تجهیزات کنترلی این شناور لایروب را مشاهده کردیم. پس از شرکت صدرا به سمت منطقه ویژه اقتصادی بندر امیرآباد حرکت کردیم.

بندری نسبتاً بزرگ با ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد در شمال ایران. همزمان با رسیدن ما کشتی‌هایی از روسیه در حال تخلیه گندم، جو، ذرت و روغن بودند. در بازدید میدانی از این بندر دو نفر از مسئولان ارشد بندر اقدام به توضیح در درباره خود بندر و سازه آن کردند. پس از آن به قسمت دیگری از بندر رفتیم که در حال ساخت اسکله رورو بودند. این است مختص سوار و پیاده کردن واگن می‌باشد. در

با چای و سایر وسایل از خود پذیرایی کردند و شب را گذراندند. ساعت ۶ صبح به همراه تعدادی از بچه‌ها بیدار شدیم و پس از گزاردن نماز صبح اقدام به آماده کردن صبحانه‌ای شدیم که دیشب برایمان آوردند. با هر زحمتی که بود بچه‌ها را بیدار کرده و پس از صرف صبحانه آماده حرکت شدیم و روانه شرکت کشتی سازی صدرا شدیم شرکت صدرا بزرگترین کشتی سازی ایران است که سه شعبه در سطح کشور دارد. دو شعبه در جنوب و یک در

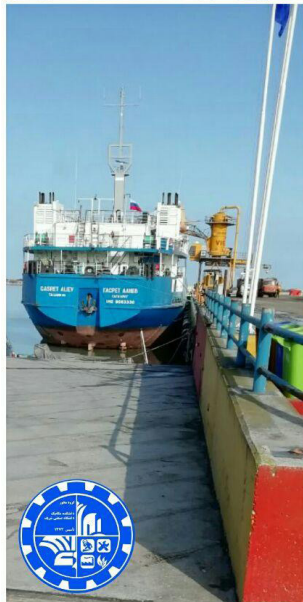
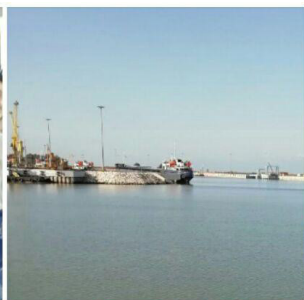
این بازدید به عنوان اولین بازدید خارج از استان دانشجویان دریا پیش داستان طولانی دارد که نقل آنها ممکن است از حوصله خارج باشد. هماهنگی محل‌های بازدید، شرکت صدرا و بندر امیرآباد، و همچنین محل اسکان توسط دکتر سیف صورت گرفت و بقیه موارد را شخصاً جلو بردم. بالاخره زمان حرکت فرا رسید. روز چهارشنبه ساعت ۱۲:۵۰ از سردر دانشگاه به مقصد ساری حرکت کردیم. یکی دو ساعت اول هنوز یخ بچه‌ها آب نشده بود، اما بعد از گذشت اندک زمانی

بچه‌ها خیلی خوب با هم ارتباط گرفتند و به جای مشاهده فیلم یا بازی با گوشی‌های هوشمند به بازی‌های جمعی روی آوردند. پانتومیم و کلمه از جمله آن بازی‌ها بود. پس از مدتی به گردنه های جاده فیروزکوه رسیدیم. آسمان به شدت گرفته بود و دانه‌های برف شروع به باریدن کردند. همچنین مه غلیظ حرکت وسایل نقلیه از جمله اتوبوس ما را به شدت کند کرده بود. اکثر بچه‌ها در این موقع خواب بودند اما آن‌هایی که بیدار بودند از هوای مه آلود لذت بردند. پس از گذشتن از این شرایط سخت حوالی ساعت ۷

این قسمت نیز مهندس ارشد ساخت، مشکلات و گلوگاه‌های ساخت را برای بچه‌ها توضیح داد. پس از بازدید از بندر امیرآباد به رستورانی در نزدیکی شرکت صدرا رفتیم. پس از صرف ناهار تایمی به دانشجویان داده شد تا از منظره زیبای لب ساحل استفاده کنند. پس از آن به سمت تهران حرکت کردیم و حوالی ساعت ۸ شب به تهران رسیدیم.

شمال و بندر امیرآباد. این شرکت در سال های گذشته سازنده کشتی‌ها و سکوهایی زیادی بوده‌است، اما هم اکنون با توجه به شرایط کشور بیشتر به تعمیر و نوسازی کشتی‌ها می‌پردازد. در ابتدای ورود، در سالن کنفرانس شرکت صدرا توضیحاتی را به ما دادند و پس از آن وارد کارگاه‌های اصلی شرکت شدیم. در آن زمان چهار کشتی در حال نوسازی و تعمیر بودند. پس از بازدید خارجی از آن‌ها با همکاری

شب به ساری رسیدیم؛ مستقیم به دانشگاه کشاورزی ساری رفته و با استقبال گرم مسئولین دانشگاه مواجه شدیم. دکتر سیف از مدعوین همایشی بود که همان شب در دانشگاه ساری برگزار می‌شد. به همین دلیل ایشان از ما جدا شدند. ما را ابتدا به سلف ویژه دانشگاه بردند و به خوبی از ما پذیرایی کردند. حدود ساعت ۹ به محل اسکان رسیدیم. بعضی از بچه‌ها همان شب به لب ساحل رفتند و آن‌هایی که ماندند



## دعوت ...

تنها صدای شعله‌های آتش بود که به گوش می‌رسید. همه به طرز ناگهانی آرام شده بودند. از هیچ کس هیچ صدایی شنیده نمی‌شد. گیج شده بودم. تا چند لحظه پیش فریادهای وحشت زده جمعیت بود که تمام تن و بدنم را به لرزه انداخته بود. اما حالا، انگار نه انگار. باد شروع به وزیدن کرده بود و شعله‌های آتش را به رقصیدن و می‌داشت. مهمانی بزرگی به پا شده بود و ما بدون آنکه بدانیم به آن دعوت شده بودیم...

دو هفته تعطیلات عین باد گذشته بود و باید برمی‌گشتم.

انفجار دوم رشته افکارم را پاره کرد. هواپیما شروع به سقوط کرد. بغل دستیم فریاد کشید: «بخوابید رو زانو هاتون.»

سرم را روی زانوهایم گذاشتم و با آخرین توانم دست‌هایم را دور پاهایم حلقه کردم. هواپیما لحظه به لحظه سرعت می‌گرفت و صدای ضجه‌های مردم نیز بیشتر می‌شد. اما من حواسم به عروسی بود که جلوی پایم چسبیده بود. یاد دخترک افتادم. نگاهی به جلو انداختم.

مادرش خم شده بود و دخترش را به آغوش کشیده بود.



فکر نمی‌کردم  
انقدر زود ولی دلم  
برای مادرم تنگ شد. یادم افتاد  
قول داده بودم وقتی برگشتم.....  
یک ضربه شدید و تمام. خاک، آهن  
مچاله شده، دود و در انتها شعله‌های  
آتش. آتش با رقص مرگ از ما  
استقبال می‌کند. ما به مهمانی بزرگی  
وارد می‌شویم.

گویا یم مهمانی نیز مرگ است و با  
اینکه با عجله خود را رساندیم ولی  
الحق که همه با لباس‌های خونین  
و پاره و سوخته به بهترین شکل  
حق مطلب را ادا کرده‌اند. مهمانی با  
شکوهِیست امشب اما پلک‌هایم سنگین  
شده‌اند. گفتم که، دیشب نخوابیدم. بهتر  
است کمی خوابم...

(به یاد تمامی عزیزی که از جمع ما  
رفتند،

روحشان شاد و یادشان گرامی باد)

به قلم خسته

داشت بیهوش شوم ولی با این حال  
هنوز صدای دختر بچه‌ای را که  
جلوی من سمت پنجره نشسته بود را  
می‌شنیدم. دخترک ترسیده بود ولی  
مادرش سعی می‌کرد که با نشان دادن  
چراغ‌های شهر که از پنجره پیدا بود  
دخترک را آرام کند.

تقریباً خوابم برده بود که ناگهان با  
صدای انفجار و تکان شدید هواپیما  
بیدار شدم. جمعیت از یک دیگر با  
وحشت می‌پرسیدند که چه شده و  
مهماندارها درحالی که خودشان گیج

شده بودند سعی می‌کردند مسافران  
را آرام کنند. از پنجره به بیرون نگاه  
کردم. از چیزی که می‌دیدم وحشت  
کرده بودم. موتورهای هواپیما غرق  
در شعله بودند. با فریاد این نکته  
توسط یکی از مسافرها جیغ و داد بقیه  
نیز بلند شد.

نمی‌دانستم باید چیکار کنم. زبانم بند  
آمده بود. هواپیما کمی مسیرش را  
عوض کرد. کمر بند صندلی را بستم.  
هرچند که می‌دانستم به کار نمی‌آید.  
اشک‌هایم بود که ناخواسته از چشم  
هایم پایین می‌آمد. در همان چند لحظه  
با خدا حرف می‌زدم. تمام خاطرات  
خوب و بدی که داشتم را مرور کردم.  
لحظه به لحظه تمام سختی‌هایی که  
برای رسیدن به اینجا طی کرده بودم  
را از جلو چشمم گذارندم. همه آن کارها  
بیهوده بود؟

فردا  
صبح زود  
پرواز داشتم و  
پدرو مادرم اصرار داشتند که  
زودتر بخوابم تا از پرواز جا نمانم  
اما می‌خواستم تا آخرین لحظاتی که  
می‌توانستم در کنارشان باشم چون  
می‌دانستم خیلی زود دلم برایشان تنگ  
می‌شود. خسته بودم اما با خودم  
می‌گفتم توی هواپیما به اندازه کافی  
وقت برای خوابیدن هست. حدود  
ساعت ۳ صبح بود که وسایلم را جمع  
کردم و آماده حرکت به سمت فرودگاه  
شدم. پدرم مثل همیشه یادآوری کرد  
که حواسم به وسایلم باشد و مرا از  
زیر قران عبور داد و مادرم نیز در  
حالی که با یک دست پلاستیک پر  
از میوه و خوراکی را به من می‌داد  
و با دست دیگر اسپند را دور سرم  
می‌گرداند، از من خداحافظی کرد.  
ساعت ۴ به فرودگاه رسیدم و حدود  
ساعت ۶ بود که سوار هواپیما شدیم.  
آنقدر خسته بودم که هر لحظه امکان

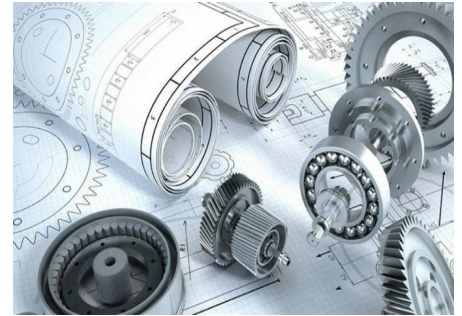




علی سلیم زاده

ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک

# اما نو چیز دیگری!



همگی حداقل چندین روز را صرف مطالعه و تحقیق برای انتخاب رشته‌ای مناسب بعد از کنکور کرده‌ایم. یادم می‌آید در آن روزها این جمله را زیاد می‌شنیدم: «مهندسی مکانیک مادر تمامی مهندسی‌هاست و در هر پروژه‌ای یک مهندس مکانیک نیاز هست؛ پس مکانیک را انتخاب کن که بازار کاری عالی و جیب‌های پرپولی نصیب می‌شود.» اما آیا این نصیحت به طور کامل صحیح است؟

در این مدت چهار ساله که دروس مهندسی مکانیک را پاس کرده‌ام به این باور رسیده‌ام که به درستی مهندسی مکانیک مادر تمامی مهندسی‌هاست. این شاخه علم از تمامی درختان بوستان علم میوه‌ای چیده و در سبد درسی خود جا داده است. پایگاه‌های کاری مهندسان مکانیک نیز از نیروگاه‌ها و سد‌ها تا خودروسازی‌ها و دفترهای کامپیوتری مشاوره و مدیریت پروژه گسترده شده است. اما نیمه دوم نصیحت بزرگترها کاملاً متفاوت با واقعیات موجود می‌باشد. همان‌طور که احتمالاً آگاه هستید دانشگاه شریف جزو معدود دانشگاه‌هایی می‌باشد که به کارآموزی ارادت خاصی دارد! خوشبختانه یا متأسفانه به همین علت دانشجویان مکانیک ملزم به پاس کردن دو کارآموزی جان‌فرسا در واحدهای صنعتی کشور می‌باشند. طی همین کارآموزی‌ها وضعیت شغلی/بی‌شغلی مهندسان دستگیر دانشجو می‌شود. آن دوستانی که سعادت شرکت در کارآموزی تابستانه را داشته‌اند کاملاً صحبت من را درک می‌کنند.

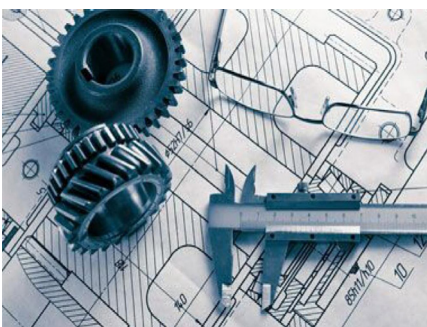
که هنوز پاسخی برای آن یافت نشده است.

اما در این بین افرادی وجود دارند که با وجدان کاری بالای خود به دنبال دوا کردن دردی از دردهای این مملکت هستند. انواع موانع از جنس بروکراسی، علمی، فناوری و ... سر راه این بندگان خدا قرار دارد و کار جان کاهی در پیش دارند. اما نباید از یاد برد که کشورهای اروپایی بعد از جنگ جهانی دوم و ویرانی‌های فراوانی که در پی داشت، توسط شهروندانشان ساخته شدند. پس مسئولیت آبادسازی و برداشتن موانع از سر راه بر دوش خود ما قرار دارد. با توصیفاتی که برخاسته از تجربیات بنده و دوستانم در دوره‌های کارآموزی می‌باشد می‌توان نسبت به صحت و سقم نصیحت بزرگان فامیل و مشاوران کنکور تصمیم‌گیری کرد. علم مکانیک قطعاً علمی وسیع و کاربردیست اما آیا موضوع در کشوری که زیر تحریم‌های اقتصادی و فناورانه مدفون شده هم چنین داستانی می‌باشد؟ آیا واقعاً به اصطلاح، کار برای مهندسان مکانیک روی زمین ریخته؟ سوالاتی که مطرح گردید جای تفکر فراوان دارد و همچنین نیاز به اقدامات زیادی در سطوح بالای مدیریتی برای رفع این مشکلات وجود دارد. به امید آن که روزی وضعیت کشور به گونه شود که هیچ مهندسی کشور دومی را برای کار انتخاب نکند و با افتخار در سرزمین‌مان ایران خدمت کنیم.

روند کار در ادارات و بخش‌های مهندسی کارخانجات بدین گونه است که تمامی کارمندان به منظور ثبت ساعت ورود خود و یا استفاده از سرویس شرکت‌ها، صبح خروس خوان از خواب هفت کچلان بیدار می‌شوند و با چشمان نیمه باز راهی محل کار می‌شوند. در بین راه برای خرید بیسکویت‌های ساقه طلایی شکلاتی یا ساده به بقالی مراجعه می‌کنند که روز کاری خود را با باک پر شروع کنند. در اتوبوس شرکت که اکثراً خروپف می‌کنند؛ گویی اتوبوس سفینه‌ای پیشرفته، راحت و بی‌صدا می‌باشد و خیابان‌ها هم با ابریشم فرش شده‌اند. زمانی که به مقصد می‌رسند راننده با زحمت فراوان کارکنان شرکت را بیدار و به بیرون هدایت می‌کند. پس از جایگیری کارمندان پشت میز خود نوبت به وعده شیرین صبحانه و گپ و گفت با همکاران می‌رسد. بعد از ساعت نه صبح که دیگر میل کردن صبحانه توجیهی ندارد زمان کار شروع می‌شود. اما پس از یک ساعت و نیم صبحانه خوردن کارمندان خسته شده‌اند و زمانی برای هواخوری نیاز دارند.

اگر برق کارخانه بنا بر علت‌های گوناگون قطع نشود دو ساعت کار مفید تا ساعت دوازده انجام می‌پذیرد اما در غیر این صورت نیروهای خدماتی باید غرولند کارمندان نسبت به نبودن آب جوش را تحمل کنند. با مرحله ناهار و نماز که همگی آشنایی دارید و نیازی نمی‌بینم به زمان طولانی حداقل یک ساعته آن اشاره‌ای شود.

طبیعت آدمی به گونه ایست که پس از صرف وعده سنگین آن هم سر ظهر به خوابی طولانی پشت کامپیوتر نیاز دارد. کارفرمایان مانند عقابانی تیز چشم کارگران را زیر نظر دارند پس خواب کارگران به ناچار باید با جای سیاه لیوانی از سر ببرد. این که کی کارها در کارخانه‌های دولتی انجام می‌شوند و یا اصلاً انجام می‌شوند رازی بزرگ می‌باشد





سینا غلامی

ورودی ۹۶ مهندسی مکانیک

### سوال اول: آیا از سامانه جدید انتخاب واحد رضایت دارید؟

- \_ خیلی زیاد! حداقل از نظر ظاهری بهتر ازِ عدوئه.
- \_ به شدت
- \_ بله کاملاً
- \_ بله یکی دو دقیقه ای میشه انتخاب واحد کرد البته اگر رندت خوب باشه!
- \_ به جز در برخی موارد که لود نمیشه و باید چندبار لینک رو رفرش کرد و جدا بودن انتخاب واحد پروژه، بله.
- \_ رضایت برای یه لحظه!

### سوال دوم: آیا آموزش دانشکده همکاری لازم برای انتخاب واحد ها (آنهايي که در سامانه به هر دليل نتوانستيد ثبت کنيد) را با شما داشته است؟

- \_ خیلی خوشحالم که این ترم لازم نشد برم آموزش برای واحدهام!
- \_ به هیچ وجه... آموزش ترجیح میدهد همه ی برنامه ها را جابه جا کند به جای اینکه یک درس را به دانشجو بدهد.
- \_ به مشکل خاصی برخورددم.
- \_ ترمیم هم شده و من هنوز تو رزرو کارگاهم!

### سوال سوم: هنگام انتخاب واحد به چه مواردی توجه بیشتری دارید؟ (چارت درسی، استاد درس مورد نظر، زمان درس، موارد دیگر)

در این سوال ۷۶ درصد پاسخ دهندگان استاد مورد نظر، ۵۳ درصد چارت درسی و ۶۶ درصد زمان درس را از عواملی برشموردند که در انتخاب واحد آنها تاثیر گذار است.

### سوال چهارم: آیا نمرات درس های ترم گذشته شما به موقع ثبت و اطلاع رسانی شده اند؟

- \_ بله
- \_ حدوداً
- \_ خیر اصلاً! نمره یکی از درسها هنوز هم نهایی نشده.
- \_ دو سه مورد در چند ترم گذشته دیر ثبت شد.
- \_ بله نمره های من همه قبل از شروع ترم جدید اومدن. هرچند بین دوستان زیاد میدیدم که میگفتن نمره هاشون نیومده.

### سوال پنجم: به نظر شما زمان بندی ترم جدید مناسب است؟

- \_ فرجه نداره
- \_ تا حدودی
- \_ خداوشکر بد نیست فقط ماه رمضون رو خدا به خیر کنه!
- \_ فرجه نداشتن بزرگترین مشکله! واقعاً تاثیر بدش در نتایج آموزشی ترم قبل هم قابل مشاهده است.
- \_ بنظرم مدت فرجه کم هست.

### سوال ششم: حرف دل...

- \_ برای نود و شیشی ها انقدر چارت رو بالا پایین نکنن! نمیدونیم پیاختیارین و چیا نیستن
- \_ میشه نتایج حذف فرجه رو به بررسی بکینن و داده هایی به دانشگاه ارائه کنین تا فرجه رو برگردونن؟
- \_ یکی به مسئول آموزش بگه اگه به درسی رو ظرفیت بزنه چیزی از اموالش کم نمیشه!